

فریدافوردهام



مقدمه‌ای بر

روانشناسی یونگ



ترجمه: دکتر مسعود میر بهاء

۱۳۹۰

سرشناسه: فوردهام، فریدا، Fordham, Frieda
 عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ / فریدا فوردهام، ترجمه
 مسعود میربهاء
 مشخصات نشر: تهران: جامی، ۱۳۸۸
 مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص
 شابک: 978-964-2575-72-5
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: An introduction to jung' psycholoys 1968
 عنوان اصلی: یونگ، کارل گوستاو، ۱۸۷۵-۱۹۶۱م
 موضوع: روانشناسی یونگی.
 موضوع: میربهاء، مسعود - مترجم
 شناسه افزوده: ۱۳۸۸ ف ۹/۱۰۹ BF
 رده‌بندی کنگره: ۱۰۵/۱۹۵۴
 رده‌بندی دیویی: ۱۸۹۲۳۶۸
 شماره کتابشناسی ملی:

انتشارات جامی

خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۰۲۲۳۰۶۶۴۰

مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ

فریدا فوردهام

ترجمه: مسعود میربهاء

چاپ نخست: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۵۷۵ - ۷۵ - ۲

ISBN: 978-964-2575-75-2

۴۲۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	یادداشت سردبیر
۱۵	پیشگفتار یونگ
۱۷	خلاصه‌ای از زندگی یونگ
۲۵	فصل اول: سرآغاز
۴۹	فصل دوم: سنجیهای روانشناسی
۷۷	فصل سوم: سنجیهای باستانی تا خودآگاه
۱۱۱	فصل چهارم: دین و فرایند فردیت
۱۳۵	فصل پنجم: روان درمانی
۱۵۵	فصل ششم: رویاها و تعبیر آنها
۱۷۳	فصل هفتم: روانشناسی و آموزش و پرورش

گردانیدن این کتاب به زبان فارسی، هرگز برای توصیه قبول کامل آن به خوانندگان، و نیز به خاطر گرایشی فرقه‌بازانه نیست. شکفتگی اندیشه همین دانشمند گرانمایه، که «مقدمه‌ای بر روانشناسی» اش عنوان کتاب کنونیست، با ژرف‌بینی پیکارجویانه او در روان‌کاوی فروید، بارزتر گردید. و در این جهان متحول، چنین به نظر می‌رسد که پذیرش جزمی و ثابت هرگونه عقیده‌ی، چندان نشانه دوراندیشی نباشد.

یونگ اندیشمندی پهن‌آور و بارور و خلاق بود، و شاید که مطالعه نقادانه باورها و پندارهای وی، به خواننده شورمند و جوینده، وسعت دید و سعه صدر دلپذیری تواند بخشید.

یادداشت سردبیر^۱

نشریات روان‌شناسی ما بر دو گونه‌اند، نخست مجموعه نشریات کلی و عمومی که شامل مطالبی است که به نحوی از انحاء، از لحاظ روان‌شناسی مورد استفاده باشد. برای نمونه می‌توان از کتاب جانوران و انسانها اثر کاتز^۲ تا کتاب کارگر انگلیسی، اثر زویگ^۳ را نام برد. دوم مجموعه نشریاتی است که در زمینه روان‌شناسی هدفهای ویژه‌تری دارند، یعنی در آنها اندیشه‌های خاص روان‌شناسان بزرگ معرفی می‌شود؛ این معرفی بی‌جانبداری و مطابق این اصل است که «بگذار که انسان آزادانه برای خود سخن گوید و یا لااقل توسط مفسر صلاحیتداری افکار خویش را بر زبان آورد» مثلاً در کتاب مارگارت نایتز^۴ به نام ویلیام جیمز^۵ روان‌شناس مشهور امریکایی — جیمز اصلاً برای خود سخن می‌گوید. در کتاب کنونی نیز کارل گوستاو یونگ^۶ توسط مفسر صلاحیتداری، یعنی نویسنده این کتاب به سخن می‌پردازد. این کتاب نخستین جلد، از چندین مجلدی است که به این‌گونه

۱- به قلم: س. ا. میس (C.A. Mace)، استاد روان‌شناسی کالج برکبک (Birkbeck College) و سردبیر نشریات روان‌شناسی انتشارات پنگوئن (Penguin Books).

2- Katz 3- Zwiég 4- Margart Knghit 5- William James

6- Karl Gustave Jung

روان‌شناسی اختصاص یافته و در مجموعه ناشر و دیگر جاها، به طور عموم تحت عنوان روان‌کاوی^۱ توصیه گشته است.

اصطلاح «روان‌کاوی» در زبان رایج، همه واقعیات و فرضیات موجود در کارهای فروید^۲، یونگ و آدلر^۳ و همچنین دستیاران و مریدان و وراث فکری و معنوی ایشان را، در برمی گیرد. این گونه استعمال عام، به رغم توصیه‌های پیگیر و مداومی است که طبق آنها اصطلاح روان‌کاوی تنها باید در مورد فرضیه‌ها و روشهای علمی فروید و پیروان خاصش به کار رود و نظرات و کارهای یونگ و آدلر، تحت عناوین «روان‌شناسی تحلیلی»^۴ و «روانشناسی فردی»^۵، معرفی گردد. بی تردید، این اصطلاح عام ولی غیردقیق یعنی «روان‌کاوی» تا هنگامی برای هر سه مکتب فوق‌الذکر به کار خواهد رفت که کسی عناوین مناسبی برای تمیز و تشخیص هریک از این مکاتب پیشنهاد نماید.

«روان‌کاوی» در این معنی و مفهوم وسیع، شامل فرضیات و روشها، هر دو می‌شود. مشخص‌ترین اصل مشترک همه فرضیه‌های این سه مکتب این است که ذهن، روان یا شخصیت انسانی مرکب از دو جزء خودآگاه^۶ و ناخودآگاه^۷ است و سلوک و رفتار انسان و حالات خودآگاه وی، نه تنها با رجوع به منابع انگیزه‌های آنها در ناخودآگاهی^۸، توجیه و آشکار می‌گردد. نکته مشترک در کاربرد روان‌کاوی [روان‌کاوی به همان مفهوم وسیعی که گفته شد]، به کار بستن روشهای ویژه برای روشن ساختن این عوامل و انگیزه‌ها در ناخودآگاهی است. این روشها،

1- Psycho-analysis 2- Freud

۳- Alfred Adler، روان‌پزشک اتریشی (۱۹۳۷-۱۸۷۰)؛ وی روان‌کاوی خود را بر روی منش (Character) بنیان گذاشت.

4- Analytical Psychology 5- Individual Psychology 6- Conscious

7- Unconscious 8- Unconsciousness

همانند فرضیه‌ها، در هر سه مکتب متفاوتند، ولیکن همگی به شدت برخلاف روشهای درمان با دارو، تلقین به هنگام خواب مصنوعی^۱، و یا هر گونه روش دیگری هستند که اتکا به همکاری تام و آزادانه شخص مورد معاینه ندارد. کاربرد روان‌کاوی از درمان بیماریهای روانی شکوفا گشته است، ولیکن در عین حال محدود به آنها نیست و احتمالاً آن، زمینه مشترک همه مکاتبی است که در آنها، موفقیت درمانی در آخرین وهله، به تشخیص و نوتوانی^۲ [یاری و راهنمایی شده] خود بیمار توسط خویشتن، وابسته می‌باشد.

به مفهومی در اینجا، کاربرد و عمل مسبوق به فرضیات است، چه فرضیات نخست از واقعیاتی که در حین به کار بردن روشهای درمانی دیگر پدیدار شده‌اند، آشکار و منشعب می‌گردند، با این همه، باید گفت که فرضیات مورد بحث ما، به واسطه مطالعات مردم‌شناسی^۳ و افسانه‌شناسی^۴ و منابع بسیار دیگر، گسترش و غنا یافته‌اند. در این موضوع نیز، همانند همه موضوعاتی که متضمن مسائل بزرگ و پیچیده انسانی است، مباحثات و مجادلاتی به وجود آمده و بسا هنگام، ناظر دلسوزی را که بیرون از صحنه نگران این مجادلات است، دچار این اضطراب کرده است که مبدا مباحثات علمی به صورت جنجال خرد و ناچیز فرقه‌ای درآید. اما این خطر، اگر که هم‌اکنون رفع نشده باشد، به تندی در حال از میان رفتن است. از برخی جهات هم فرضیات و هم روشهای علمی این مکاتب، به طور مداوم از یکدیگر دور می‌شوند، ولیکن همچنین با گذشت زمان، تحمل و تفاهم متقابل نیز، افزونی می‌یابد.

1- Hypnosis

۲- Rehabilitation، بازیافتن توانایی، ظرفیت و استعداد خود پس از بیماری.

3- Anthropology 4- Mythology

فرضیه‌های جوراجور مکتبهای مختلف، هر کدام با نیازها و ضرورت‌های گوناگونی روبه‌رو می‌باشند. توجه به تعداد پیشکسوتان این مکتبها نشان می‌دهد که نسبت جانبداران یونگ، فروید، آدلر و دیگران، در گروه‌های گوناگون مردم تعلیم یافته، به طور قابل توجهی متغیر می‌باشد. چنین گمان می‌رود کسانی که در کارهای یونگ روشنائی فکری بیشتری یافته‌اند، وابسته به رده و گروه ذهنی معینی از مردم هستند که دارای اندیشه انعطاف‌پذیر و غیرفرقه‌ای می‌باشند. این گونه افراد به آن دسته از مطالعات علمی شوق و استعداد دارند که دارای نسبتی نزدیک و ژرف با گروه‌های وسیعتری از بشریت است، و ایشان علاقه ویژه‌ای به کنجکاوی در غرایب ذهن انسانی، چون تمثیل و نشانه‌شناسی، افسانه‌شناسی و دین و آیین دارند؛ و همچنین این گونه اشخاص «کنجکاویها»ی خود را به خاطر غریب و عجیب نمودن بسیار موضوع، ترک نمی‌کنند و همه مطبوعات و ادبیات دینی را زیر عنوان ساده «آشفته‌گی ادراک انسانی»^۱ تجلید نمی‌نمایند. خواص فوق‌الذکر جانبداران یونگ، نایستی که موجب شکست شود، چه خود یونگ نیز در کاوشها و عقاید خویش، چنین حالت انعطاف‌پذیر و غیرفرقه‌ای را با حس کنجکاویها و همدردیهای وسیعی درمی‌آمیزد. او در هیچ حالی، مسئولیت جنجالهای فرقه‌بازانه را نمی‌پذیرد و با تحمل و سادگی ویژه خود، به این خشنود می‌شود که هر نقطه نظر مشترکی را نه به بینش و بصیرت^۲ خویش، بلکه به تأثیر نوع و گروه ذهنی‌ای که او به آن متعلق است، منتسب دارد.

در کتاب کنونی، اندیشه‌های یونگ، به نحو شایسته و مقتضی توسط مصنفی معرفی شده است که او نیز چون خود یونگ، تمایل مفرط به

مجادلات جانب‌داری و علاقه ویژه‌ای به کنجکاو‌یهای نامشخص در ذهن ناخودآگاه ندارد، بلکه به جستجوی وسیع و بسیار تسکین‌ناپذیر در مشاهده و مطالعه خودنماییهای ذهن ناخودآگاه — از «ماندالا»^۱ نامعین و تقویم‌ناپذیر و ترانه‌ای از دون^۲ تا آخرین افکار برخی از متصوفین معاصر — علاقمند می‌باشد. خواننده می‌تواند هم از ایجاز و کیفیت ساده و دیباچه‌مانند این کتاب لذت برد، و هم در معتبر و موثق بودن مطالب آن ترضیه خاطر یابد. این چنین خواصی برای کتاب، در حقیقت جواز طبع یونگ، و مشمول ستایش و تقدیر خود وی از آن می‌باشد.

س. ا. میس

۱- Mandala (در متن کتاب توضیح داده خواهد شد).

۲- جان دون (John Donne)، شاعر و کشیش انگلیسی (۱۶۳۱-۱۵۷۳).

پیش‌گفتار

نوشته دکتر ک. گ. یونگ

بانو فریدا فورد هام^۱ کار تصنیف نه‌چندان آسان خلاصه خواندنی، از همه کوششهای من را برای فهم بهتر و بیشتر روان‌انسانی، بر عهده گرفته است، چون من نمی‌توانم ادعا کنم که به فرضیه معین و قاطعی برای توجیه همه، و حتی بخش اساسی پیچیدگیهای روان‌ناایل آمده‌ام، باید بگویم که کار من عبارت از یک رشته طرز تلقی گوناگون، و یا می‌توان گفت گردش همه‌جانبه‌ای، دورادور عوامل ناشناخته روان‌انسانی می‌باشد. همین نکته، ارائه و عرضه ساده و روشنی از اندیشه مرا بالنسبه دشوار می‌سازد. علاوه بر این، من همیشه این احساس ویژه مسئولیت را داشته‌ام، که واقعیات را، نه آنچنان که در اتاق مشاوره پزشک خودنمایی می‌کنند، بلکه برتر از همه، آنها را در جهان پهناور و همچنین در اعماق تاریخ انسانی مشاهده کنم. آن مقدار از تظاهرات روانی را که پزشک می‌بیند، چیز بسیار اندکی از جهان نفسانیات هستند و گذشته از این، به واسطه شرایط و عوارض بیماری دچار تغییر شکل و انحراف شده‌اند. من همیشه پیش خود متقاعد بوده‌ام که نگاره روشنی از روان، تنها با

روش تطبیقی می‌تواند به دست آید. اما، زیان بزرگ این روش در این است که انسان نمی‌تواند از تجمع و سردرهمی مواد و مطالب تطبیقی، که خود گیج‌کننده و گمراه‌سازنده توده مردمند، خوشتن را برکنار دارد.

کوشش مصنف این کتاب، اگر که وی فرضیه معین و واضحی را برای نقطه شروع و عزیمت، و اگر که او اسناد به خوبی مشخص و بدون انحرافی به زمینه روان‌شناسی عمومی می‌داشت، ساده‌تر می‌شد. هرچند به عقیده من، روان‌شناسی عمومی تنها پایه و میزان سنجش برای ارزیابی پدیده‌های روان‌مرضی است، درست همچنان‌که کالبدشناسی پنهجار^۱ و فیزیولوژی نیز دو رشته اجتناب‌ناپذیر برای درک جنبه‌های مرضی جسم می‌باشند. همان‌گونه که کالبدشناسی انسانی، تحول طولانی‌ای را در پشت سر دارد، روان‌شناسی انسان امروزی نیز، وابسته به ریشه‌های تاریخی خود هست و تنها می‌تواند با توجه به تغییرات نژادشناسی^۲ مورد داوری قرار گیرد. بنابر این عقیده، مطالعه کارهای من امکانات بی‌شماری برای جلب توجه خواننده به رشته‌های فرعی و جانبی روان‌شناسی پدید می‌آورد.

مصنف این کتاب، در این چنین اوضاع تا اندازه‌ای دشوار، معه‌ذا به خوبی توانسته است که خوشتن را از عواملی که موجب بیان نادرست مطالب می‌شود به دور سازد. وی گزارش روشن و ساده‌ای از جنبه‌های اصلی روان‌شناسی من، فراهم آورده است. من، برای این کار تحسین‌انگیز، خود را مدیون وی می‌دانم.

ک. گ. یونگ

کوشناخت - زوریخ،^۳ سپتامبر ۱۹۵۲